

بررسی تأثیر مالیات بر درآمد محلی و مالیات بر فروش محلی بر ضریب جینی با توجه به اثرگذاری متغیرهای کلان اقتصادی (مطالعه موردی: کشورهای منتخب)

مژگان رفعت میلانی*

جمشید پژویان**

سید شمس‌الدین حسینی***

فرهاد غفاری****

چکیده

امروزه در بسیاری از کشورهای جهان به علت کارایی و مزیت‌های «مالیات محلی» از آن به‌عنوان «پایه مالیاتی موجه و پایدار» نام برده می‌شود. مالیات محلی، مالیاتی است که مقامات محلی نرخ یا پایه آن را مشخص می‌کنند و نقش آن تأمین اعتبار خدماتی است که ساکنان محلی از مزایای جمعی آن‌ها بهره می‌برند. این مالیات مشابه مالیات‌های ملی، مسائل توزیع درآمد را در بر دارد. با توجه به اهمیت این موضوع و در راستای اعمال سیاست‌های اقتصادی خردمندانه در جهت متعادل نمودن توزیع درآمد، هدف اصلی این تحقیق بررسی اثر مالیات بر درآمد و مالیات بر فروش محلی بر توزیع درآمد با تأکید بر متغیرهای کلان اقتصادی بوده است. تجزیه و تحلیل در این مطالعه بر مبنای روش اقتصادسنجی با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) انجام شده است و به این ترتیب ۱۲ کشور منتخب «سازمان همکاری اقتصادی و توسعه» (OECD) که مالیات محلی در آن‌ها اعمال گشته، طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

* دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران؛

Mo_milani@Yahoo.com

** استاد دانشگاه علامه طباطبائی، گروه اقتصاد، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Pajooyan@srbiau.ac.ir

*** استادیار، دانشگاه علامه طباطبائی، گروه اقتصاد، تهران، ایران؛

**** دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه اقتصاد، تهران، ایران؛

Ghaffari@srbiau.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۰۴

فصلنامه راهبرد اقتصاد، سال هشتم، شماره سی‌ویکم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۷۸-۱۴۹

نتایج نشان داده است که با افزایش مالیات بر درآمد محلی و رشد تولید ناخالص داخلی، ضریب جینی کاهش می‌یابد؛ در نتیجه نابرابری درآمد، کمتر می‌شود، اما با افزایش مالیات بر فروش محلی و تورم، ضریب جینی افزایش یافته، نابرابری درآمد بیشتر می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: مالیات بر درآمد محلی، مالیات بر فروش محلی، توزیع درآمد، متغیرهای کلان اقتصادی، گشتاورهای تعمیم‌یافته

طبقه‌بندی JEL: C23, G21, D33, H71

مقدمه

درآمدهای مالیاتی به‌عنوان پایدارترین و اصلی‌ترین منبع درآمدی اکثر کشورهای جهان تلقی می‌شوند که می‌توانند بر تخصیص منابع و توزیع درآمد تأثیر بگذارند. در این میان، اصلاحات مالیاتی نیز جهت بهبود نظام مالیاتی با هدف گسترده‌تر کردن پایه‌های مالیاتی و کاهش نرخ‌های مالیاتی^(۱) موضوع تحقیق و پژوهش بسیاری از متخصصین اقتصادی بوده است که می‌تواند در کنار ایجاد درآمدهای بالاتر مالیاتی، ساختار مالیاتی و به‌تبع آن ساختار اقتصاد را اصلاح نماید.

از جمله این اصلاحات مالیاتی می‌توان به اصلاحات ناشی از معرفی پایه مالیات بر ارزش افزوده (در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی)، اصلاحات ناشی از گسترش مالیات‌های انتخابی متأثر از پیامدهای خارجی منفی تا حد معرفی پایه مالیات محیط‌زیست^(۲) (در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی) و اصلاحات و گسترش مالیات‌های محلی^۱ اشاره کرد. مطالعات نشان می‌دهد که امروزه در بسیاری از کشورهای جهان از مالیات‌های محلی، مالیات بر آلاینده‌های زیست‌محیطی، مالیات بر عایدی سرمایه، مالیات بر مجموع درآمد و مالیات بر واحدهای مسکونی خالی از سکنه به‌عنوان پایه‌های مالیاتی موجه و پایدار نام برده می‌شود. این در حالی است که مالیات‌های محلی، به علت کارایی و مزیت‌های آن بیشتر مورد توجه کشورهای جهان قرار گرفته است؛ زیرا در صورتی که دولت‌های محلی بخواهند مسئولیت‌های سازمانی گسترده و در حال افزایش خود را به انجام برسانند و استقلال کافی به دست آورند یا تمایل به افزایش قدرت و اختیارات خود داشته باشند، به منابع درآمدی قابل‌اتکا،

1. Local taxes

بایدار و باثبات نیاز دارند. در واقع نیاز به درآمد برای انجام وظایف دولت محلی، برقراری مالیات‌های محلی را ضروری ساخته است.

بر اساس ادبیات مالیه عمومی، برقراری مالیات‌های محلی، مشابه مالیات‌های ملی، مسائل توزیع درآمد را در بر دارند که یک هدف اقتصادی و سیاسی بسیار مهم برای دولت هستند؛ زیرا مثلاً ممکن است تلاش دولت‌های محلی برای کاهش اختلافات درآمدی تبعیض‌آمیز باشد و آن‌ها نیز موظف‌اند که در نیل به عدالت اجتماعی و فراهم کردن اسباب توزیع درآمد، در جهت کسب حداکثر رفاه اجتماعی تلاش کنند (پژویان، ۱۳۸۵)؛ از این رو، با توجه به تبعات توزیع ناعادلانه درآمد، بررسی تأثیر پایه‌های مالیات با تأکید بر متغیرهای کلان اقتصادی همچون تورم و رشد تولید ناخالص داخلی بر توزیع درآمد بسیار مهم است.

بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، ابتدا به مبانی نظری مالیات بر درآمد محلی و مالیات بر فروش محلی و توزیع درآمد با تأکید بر متغیرهای کلان اقتصادی (تورم، رشد تولید ناخالص داخلی) پرداخته و سپس مطالعات داخلی و خارجی در این زمینه معرفی می‌شود. در ادامه روش تحقیق، نحوه جمع‌آوری داده‌ها و جامعه آماری و برآورد و تجزیه و تحلیل مدل و در بخش پایانی نتایج تحقیق و پیشنهادهای این حوزه ارائه می‌شود.

۱. مبانی نظری

۱-۱. تعریف، نقش و اهمیت مالیات‌های محلی

رویکرد سیستم مالیات محلی از حدود سه دهه قبل موجب اصلاح ساختاری نظام‌های مالیاتی در جهان شده است. توجه و تمایل نظام‌های مالیاتی به سیستم مالیات محلی به علت کارایی و مزیت‌های آن است. مالیات محلی، مالیاتی است که مقامات محلی نرخ یا پایه آن را مشخص می‌سازند و درآمدهای حاصل از آن را نیز برای مقاصد خاص خود نگه می‌دارند. نقش مالیات محلی را می‌توان در تأمین اعتبار خدماتی که مزایای جمعی آن‌ها توسط ساکنان محلی بهره‌برداری می‌شود و شفاف‌تر شدن نحوه هزینه این نوع مالیات، افزایش پرداخت داوطلبانه مالیات و در انگیزه فرار

مالیاتی کمتر خلاصه نمود (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴). البته این نکته را نیز باید در نظر داشت که استفاده از سیستم مالیات‌ستانی محلی منوط به قبول و وجود پیش‌نیازهایی همچون فدرالیسم مالی و مباحث مربوط به آمایش سرزمین است که اجرایی شدن و اعمال آن را تضمین می‌نماید. به عبارت دیگر بدون توجه به الزامات بیان‌شده، نمی‌توان از این نوع مالیات‌ستانی نتایج مطلوبی را انتظار داشت. جهت تشخیص مالیات محلی معیارهایی را نیز باید در نظر گرفت؛ از جمله اینکه دولت محلی باید پایه مالیاتی و نرخ آن را تعیین و آن را جمع‌آوری کند و درآمد و عایدات آن را اختصاص دهد (Bentick, 1979, Olowu, 1984).

به‌طورکلی تأثیر و اهمیت مالیات‌های محلی را می‌توان در موارد زیر جستجو کرد:

الف- تخصیص منابع و فعالیت‌های اقتصادی در کشور با توجه به نرخ مالیات و وضع یا عدم وضع مالیات در مناطق مختلف.

ب- تعیین و تبیین پایه و نرخ‌های مالیات مبتنی بر اصل فایده؛ زیرا بهره‌مندی پرداخت‌کنندگان مالیات در سطح محلی یا منطقه‌ای شفاف‌تر از سطح ملی است و در نتیجه، تمایل به پرداخت مالیات محلی بیشتر و هزینه‌های مربوط به فرار و اجتناب از پرداخت مالیات کمتر خواهد بود؛

ج- ابزاری جهت سیاست‌های توسعه‌ای منطقه‌ای و برنامه‌های آمایش سرزمین؛

د- ابزاری در جهت اجرای سیاست‌های مرتبط با مهاجرت و جابه‌جایی با افزایش تمایل به فعالیت‌های اقتصادی خاص در منطقه مشخص (پژویان و درویشی، ۱۳۸۹).

۱-۲. پایه‌های مالیات محلی

پایه‌های مالیات ملی می‌توانند انتخابی برای پایه مالیات محلی باشند که کشورهای مختلف با توجه به شرایط حاکم بر اقتصاد خود، نسبت به اعمال آن مبادرت می‌ورزند (Bentick 1979, Olowu, 1984). در بین انواع پایه‌های مالیاتی محلی، مالیات بر درآمد محلی اهمیت ویژه‌ای دارد و یکی از مزیت‌های این پایه مالیاتی

امکان اعمال نرخ‌های تصاعدی است. از دیدگاه کارایی اقتصادی، مسائل توزیعی و بعضی دیگر از سیاست‌گذاری‌های دولت، نقش پایه مالیات بر درآمد محلی بسیار اساسی و تعیین‌کننده است. این مالیات حداقل آثار در تخصیص منابع را دارد و عمده‌ترین پایه مالیات جهت دستیابی به توزیع مناسب درآمد شناخته می‌شود (Kichen, 2004). پایه مالیات بر فروش محلی که غالباً «کالاها و خدمات محلی» هستند، از دیگر پایه‌های مالیات محلی محسوب می‌شود. مالیات‌های بر فروش محلی، منبع درآمدی با کششی بوده، این امکان را برای دولت‌های محلی فراهم می‌کنند که از رونق اقتصادی منتفع شوند. این پایه مالیاتی همچنین انعطاف‌پذیری بیشتری را در کل ساختار مالیات‌های محلی ایجاد می‌نماید؛ بنابراین به دولت‌های محلی این اجازه را می‌دهد که مالیات متناسب با شرایط محل را انتخاب کنند؛ به‌عنوان مثال، ممکن است مالیات بر فروش در شرایطی انتخاب شود که منافع خدمات توسط بازدیدکنندگان و رهگذاران مورد بهره‌برداری قرار گیرد. البته در کنار این پایه‌های مالیات محلی می‌توان از پایه‌های مالیات محلی دیگری مانند مالیات بر دارایی محلی، مالیات بر فعالیت تجاری محلی و مالیات بر کمک‌های اجتماعی به‌عنوان یک منبع درآمد دولت محلی، همچنین مالیات‌های انتخابی مصرف (مالیات زیست‌محیطی) نیز یاد نمود که در این مقاله به آن‌ها پرداخته نمی‌شود.

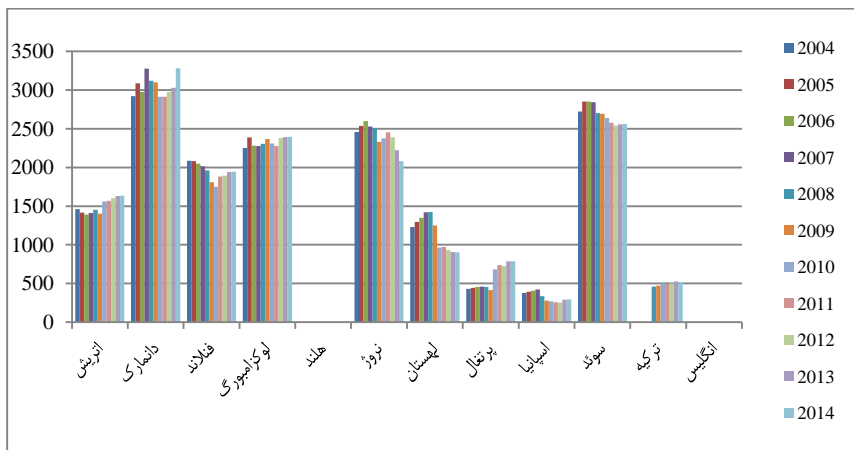
۳-۱. تجارب کشورهای منتخب OECD در به‌کارگیری پایه مالیات بر درآمد

محلی و مالیات بر فروش محلی

پایه مالیات بر درآمد (اشخاص) محلی، حداقل آثار در تخصیص منابع را دارد و عمده‌ترین پایه مالیات جهت دستیابی به توزیع مناسب درآمد شناخته می‌شود. با توجه به «نمودار ۱»^(۳) مشاهدات در کشورهای منتخب OECD شامل اتریش، دانمارک، فنلاند، لوگزامبورک، هلند، نروژ، لهستان، پرتغال، اسپانیا، سوئد، ترکیه، انگلیس، نشان می‌دهد که در کشورهای «اتریش، دانمارک، فنلاند، لوگزامبورک، نروژ، لهستان، سوئد» گرایش به استفاده از مالیات بر درآمد (اشخاص) محلی بیشتر بوده و این کشورها سهمی بالاتر از ۸۵ درصد درآمدهای مالیات محلی را به

خود اختصاص داده‌اند. این پایه مالیاتی از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ در کشور دانمارک بیشترین میزان را داشته، کشورهای سوئد، نروژ، لوکزامبورگ، فنلاند، اتریش، لهستان، پرتغال، ترکیه و اسپانیا به ترتیب در رده‌های بعدی قرار دارند. کشورهای اروپای شمالی (سوئد، دانمارک، فنلاند و نروژ) تنها این نوع مالیات محلی را به اجرا می‌گذارند. در هلند و انگلستان حکومت‌های محلی دسترسی به درآمدهای مالیات بر درآمد (اشخاص) را ندارند.

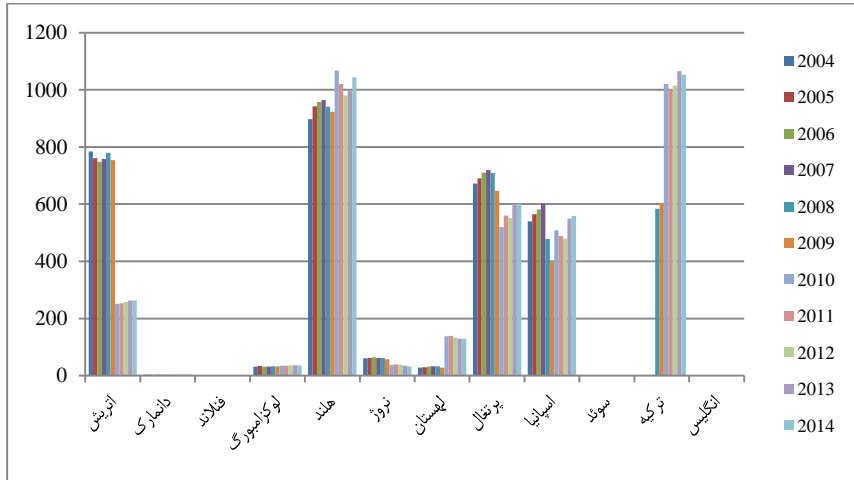
نمودار ۱. مالیات بر درآمد محلی در ۱۲ کشور منتخب طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ (میلیون دلار)



منبع: یافته‌های محقق

پایه مالیات بر فروش محلی غالباً با عنوان کالاها و خدمات محلی است. با توجه به «نمودار ۲»^(۴) که این پایه مالیاتی را بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ در کشورهای منتخب نشان می‌دهد، دو کشور «هلند و ترکیه» بیشترین میزان این پایه مالیاتی را به خود اختصاص داده و سپس به ترتیب کشورهای اتریش، پرتغال و اسپانیا قرار گرفته‌اند. کشورهای «دانمارک، لوکزامبورگ، نروژ و لهستان» هم مقدار ناچیزی از این پایه مالیات محلی را به خود اختصاص داده‌اند (سه‌می کمتر از ده درصد درآمدهای محلی)، ولی سه کشور «فنلاند، سوئد و انگلستان» پایه مالیات بر فروش محلی ندارند.

نمودار ۲. مالیات بر فروش محلی در ۱۲ کشور منتخب طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ (میلیون دلار)



منبع: یافته‌های محقق

۴-۱. مالیات محلی در ایران

نظام مالیاتی ایران در چند دهه اخیر دچار تحولات اساسی شده که یکی از آن‌ها، تغییر در پایه‌های مالیاتی بوده است. از جمله رویکردهای اصلاحی در قانون مالیات‌های ایران، معرفی پایه مالیاتی جدید و کاستن از بار مالیاتی با اهداف توزیعی، تخصیصی و سیاست‌گذاری اقتصادی بوده است (توتونچی و حقیقت، ۱۳۹۳). یکی از بخش‌های مهم در معرفی پایه مالیاتی جدید در اقتصاد ایران، معرفی مالیات محلی است که با توجه به ویژگی‌ها و شرایط خاص آن در اقتصاد ایران می‌تواند توزیع درآمد را متأثر سازد. باید توجه کرد که آنچه در نظام مالیاتی ایران به‌عنوان مالیات‌های استانی آورده می‌شود، نسبت به‌عنوان مشابه در ادبیات اقتصاد مالیات‌ها تفاوتی فاحش دارد (پژویان، ۱۳۸۵). در واقع به نظر می‌رسد مالیات‌های استانی در ایران عمدتاً از روش اجرایی جمع‌آوری مالیات‌ها اثر می‌پذیرد تا اینکه از نظریه‌های کارایی مالیاتی نشئت گرفته باشد. بررسی کلی چارچوب قوانین موجود در ایران از جهت‌گیری کلی دولت مبنی بر انتقال یا تفویض نسبی قدرت از دولت مرکزی به سطوح پایین‌تر نشان دارد که این امر بدون توجه به الزامات و پیش‌نیازهای مالیات‌ستانی محلی یعنی فدرالیسم و

استقلال مالی و مباحث مربوط به آمایش سرزمین انجام می‌گیرد؛ هرچند که با عنوان مالیات و درآمد استانی مدتی است که اطلاعات و آمار و ارقام مالیاتی در سرفصل مالیات استان‌ها منظور شده و جمع زده می‌شود. توجه و اهمیت مالیات‌های استانی را می‌توان با آغاز برنامه سوم توأم نمود که در جهت انتقال بعضی از اختیارات به استان‌ها صورت گرفته است. توسعه منطقه‌ای به صورت غیرمتمرکز با واگذاری اختیارات بیشتر در ایران سابقه‌ای بالغ بر ۴۰ سال دارد؛ اما تا پیش از تصویب برنامه سوم توسعه کشور (۱۳۸۳-۱۳۷۹) سازوکار نهادی و قانون‌مندی وجود نداشت. با آغاز برنامه سوم توسعه فرصت مناسبی برای پی‌ریزی یک نظام غیرمتمرکز ایجاد شد. حس مشارکت و مسئولیت‌پذیری منطقه در امر توسعه، تأکید بر اصلاحات ساختاری و نهادسازی و تعادل و توازن منطقه‌ای موجب گشت که برای واگذاری اختیارات مالی بیشتر به استان‌ها «نظام درآمد- هزینه استان» را ایجاد و در چارچوب آن جایگاه قانونی و نهادی برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای تعریف شود. به تبع اجرای نظام درآمد- هزینه استان از سال ۱۳۸۰ به بعد درآمدهای استانی و اعتبارات عمرانی استان‌ها نیز افزایش چشمگیری یافت. پس از ایجاد نظام درآمد- هزینه استان طی برنامه سوم توسعه، با آغاز برنامه چهارم فرصتی برای ایجاد اسناد توسعه استانی و نظام تنظیم بودجه استانی فراهم شد که علاوه بر مدیریت توسعه استانی و منابع مالی منطقه‌ای، زمینه برای حضور و مشارکت منطقه با تکیه بر قابلیت‌ها و استعدادهای درونی منطقه در امور توسعه و برنامه‌ریزی تقویت شود. در برنامه پنجم توسعه نیز سامان‌دهی نظام درآمد- هزینه استانی به منظور تمرکززدایی و افزایش اختیارات در جهت توسعه و عمران استان‌ها، در قالب بودجه سالانه استانی شامل منابع استانی اعم از درآمد استانی، درآمد اختصاصی، واگذاری دارایی‌های مالی و سرمایه‌ای و سهم از منابع ملی و همچنین مصارف استانی اعم از اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی دیده شده که توزیع «دستگاه- برنامه» اعتبارات هزینه‌ای و توزیع سرجمع اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای شهرستان‌ها بر عهده شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان گذاشته شده است. بررسی مواد قانونی مندرج در برنامه‌های توسعه‌ای نشان از

تفویض اختیار و تمرکززدایی در قالب سامان‌دهی نظام درآمد- هزینه استانی بوده است و با توجه به عدم همگنی استان‌های کشور از لحاظ منابع درآمدی و نیز هزینه، مباحث مربوط به درآمد- هزینه استان‌ها که در بودجه سنواتی کشور قید می‌شود، به معنای انطباق کامل درآمدها و هزینه‌های هر استان نخواهد بود و برقراری تعادل و اختصاص بودجه جهت همپوشانی هزینه‌ها در استان‌ها به عهده دولت مرکزی کشور است. در این راستا استان‌های کشور بدون اعمال نظر در تعیین منابع مختلف درآمدی تنها مجری قوانین و دستورات دولت مرکزی بوده‌اند.

بحث مالیات‌های بهینه محلی در اقتصاد ایران در چارچوب یک نظام مالیاتی، نیازمند مجموعه‌ای از اصلاحات اولیه در نظام مالیاتی ملی است که فضای لازم را برای طراحی سیستم مالیات‌های استانی فراهم آورد. در حال حاضر به علت نبود سیستم پایه مالیات بر مجموع درآمد در نظام مالیاتی ایران، طراحی سیستم مالیات‌های محلی را با محدودیت‌هایی مواجه ساخته است. یکی از نکات اصلی مورد توجه در طراحی چارچوب اولیه مالیات‌های محلی، آمایش سرزمین است (قبادی، ۱۳۹۱). این مسئله به‌ویژه در ساختار مالیات‌های محلی در اقتصاد ایران اهمیت فراوانی داشته و می‌توان با استفاده از انواع مالیات‌های محلی اهداف آمایش سرزمین را در دسترس قرار داد؛ در صورتی که نبود برنامه آمایش سرزمین، به‌طورکلی انجام این مهم را دچار مشکل ساخته است. انواع منابع مالیاتی موجود اعم از مستقیم و غیرمستقیم که به‌صورت ملی در کشور در حال اجرا هستند، می‌تواند بسته به شرایط و مقتضیات و بر اساس برنامه‌های آمایش سرزمین به‌عنوان منبعی از مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم محلی و با نرخ‌های متفاوت در نظر گرفته شود. پایه‌های اصلی مالیات محلی برای اقتصاد ایران را مالیات بر درآمد حقوق و دستمزد، مالیات بر شرکت‌ها، مالیات بر کشاورزی، مالیات بر فعالیت‌های معدنی، مالیات بر گردشگری و مالیات بر مسکن و زمین می‌توان در نظر گرفت. در حال حاضر به علت نبود پایه مالیات بر مجموع درآمد در نظام مالیات ایران، به‌طور اخص طراحی سیستم مالیات‌های محلی با محدودیت‌هایی مواجه است و نبود برنامه آمایش سرزمین، به‌طورکلی انجام این مهم را دچار اشکال بسیار اساسی

می‌کند. بهره‌گیری از سه پایه اصلی مالیات، اعم از «مالیات بر درآمد»، «مالیات بر هزینه»، «مالیات بر ثروت»، در طراحی سیستم مالیات محلی یا استانی، دچار نقصان است (پژویان و درویشی، ۱۳۸۹).

۱-۵. توزیع درآمد و ضرورت توجه به توزیع عادلانه آن (با تأکید بر متغیرهای کلان اقتصادی)

موضوع «توزیع درآمد» از پدیده‌های مهم اقتصادی و اجتماعی هر کشور است. توصیف درجه نابرابری موجود بین افراد و تشریح چگونگی سهم افراد مختلف در یک کشور در درآمد ملی را توزیع درآمد گویند و به عبارتی بررسی توزیع درآمد و نابرابری آن، مقایسه سهم گروه‌های مختلف جمعیت در درآمد ملی است (جعفری صمیمی، ۱۳۸۶). نامتعادل بودن توزیع درآمد در جامعه از مشکلاتی است که اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت نمودی عینی در مسائل روزمره کشور نداشته باشد، ولی تداوم آن در بلندمدت علاوه بر ایجاد فقر گسترده تنش‌های سیاسی ایجاد خواهد کرد و به بروز بحران‌ها و به خطر افتادن جدی امنیت سرمایه‌ها و ثروت‌های متراکم منجر می‌شود. از لحاظ اقتصادی نیز تخصیص منابع کشور را به سمت تولید کالاهای غیرضروری مورد استفاده افراد مرفه جامعه سوق داده، جریان ناسالمی را در اقتصاد کشور ایجاد می‌کند. به همین دلیل در کلیه نظام‌های اقتصادی حتی نظام‌هایی که مالکیت خصوصی را موتور محرکه و عامل شکوفایی اقتصاد می‌دانند، توزیع متناسب درآمد از اهداف مهم سیاسی و اقتصادی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، چگونگی توزیع درآمد میان طبقات و گروه‌های اجتماعی یکی از مسائل اساسی اقتصادی-اجتماعی است؛ از این‌رو، لازم است به نحوه توزیع درآمد جامعه توجه زیادی شود.

برای مقابله با مشکل توزیع ناعادلانه درآمد، می‌بایست عوامل مؤثر بر آن را شناخت و با توجه به تأثیر آن‌ها بر توزیع درآمد، در راستای بهبود نابرابری در سطوح مختلف جامعه سیاست‌های مناسبی را اتخاذ کرد. در زمینه تأثیرگذاری متغیرهای کلان اقتصادی بر توزیع درآمد می‌توان به متغیرهایی مانند نرخ تورم، رشد تولید ناخالص داخلی و ... اشاره نمود. اغلب اقتصاددانان به وجود رابطه

معکوس بین نرخ تورم و توزیع درآمد معتقدند؛ به گونه‌ای که افزایش نرخ تورم موجب کاهش قدرت خرید، درآمدها و متضرر شدن تمام افرادی می‌شود که نمی‌توانند متناسب با نرخ تورم، درآمدهای خود را تغییر دهند. در واقع این امر نوعی انتقال دارایی از افراد با دستمزد ثابت به افرادی است که سرمایه فیزیکی دارند؛ در نتیجه تورم به افزایش شکاف درآمدی و بدتر شدن توزیع درآمد و افزایش فقر منجر می‌شود (کميجانی و محمدزاده، ۱۳۹۳).

رشد اقتصادی نیز از مهم‌ترین اهداف کشورها به شمار می‌رود که به وسیله آن می‌توان چگونگی عملکرد دولت‌ها را بررسی کرد. ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد از مسائل بحث‌برانگیز اقتصادی است و مطالعات تجربی متعددی در حوزه توزیع درآمد و رشد انجام شده است و در کنار اختلاف نظرانی که در حوزه نظری بین اقتصاددانان وجود دارد، نتایج تجربی متفاوتی نیز در حمایت از این دیدگاه‌های متفاوت حاصل شده است. برخی از محققین نظیر «آیون»^۱ (1999)، «مارک دی پارتريج»^۲ (2005) و «سامر»^۳ (2008) به رابطه مستقیم و مثبتی بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمد دست یافته‌اند و برخی دیگر همانند «پیرا»^۴ و «سیلوا»^۵ به رابطه معکوس بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمد رسیده‌اند.

تمرکز اغلب مطالعات میان رشد اقتصادی و توزیع درآمد در نقش نابرابری بر رشد اقتصادی بوده و بر رابطه عکس میان آن‌ها کمتر اشاره شده است. برخی اقتصاددانان «نابرابری درآمدها» را شرط لازم برای رشد می‌شمردند و بعضی دیگر نابرابری را همزاد و همراه رشد می‌دانند، لیکن هر دو در این امر متفق‌اند که در مراحل اولیه رشد نباید سیاست‌های توزیع مجدد درآمد و ثروت اتخاذ شود؛ چراکه این سیاست‌ها به نرخ رشد پایین‌تر می‌انجامد و حاصل آن در سطح کلان چیزی جز توزیع فقر نیست و برای همین باید ابتدا رشد اقتصادی را دنبال و در

-
1. Aghion
 2. Mark, D. Partridge
 3. Sommer, Mathias
 4. Pereira
 5. Silva

مراحل بعدی توسعه، حاصل رشد و غنا را بین فقرا توزیع کرد. عمده این نظرات تحت تأثیر فرضیه معروف «سیمون کوزنتس»^۱ است که در یکی از مقاله‌های خود با عنوان «رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی» (۱۹۵۵) با بررسی مسیر تاریخی رشد تجاری برخی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه مطرح نمود (حسین زاده، ۱۳۹۶). با در نظر داشتن رابطه کوزنتس که بر طبق آن افزایش رشد اقتصادی در مراحل اولیه موجب افزایش نابرابری درآمد و در طی مراحل بعدی به کاهش نابرابری در توزیع درآمد منجر می‌شود، می‌توان گفت در شرایطی که فرایند گذار رشد اقتصادی در بخش‌های مختلف، با انباشت دانش و فناوری موجب ایجاد اشتغال برای قشرهای کم‌درآمد و دسترسی تمام افراد به فرصت‌های مناسب اقتصادی شود، رشد اقتصادی می‌تواند از همان ابتدا نابرابری در جامعه را کاهش دهد (حسین زاده، ۱۳۹۶).

۱-۶. مالیات بر درآمد محلی و مالیات بر فروش محلی و توزیع درآمد

سیاست‌گذاران در جهان با توسل به سیاست‌های جدید در راستای کاهش نابرابری درآمد در جامعه تلاش می‌کنند. از میان ابزارهای موجود، کارآمدترین و مهم‌ترین ابزار توزیع درآمد در جامعه، مالیات‌ها هستند. تمامی مالیات‌ها تأثیر درآمدی دارند و بر توزیع درآمد اثرگذارند (میلانی و همکاران، ۱۳۹۵). بر اساس ادبیات مالیه عمومی، پایه‌های مالیات محلی می‌تواند بر نحوه توزیع درآمد مؤثر باشد. برقراری مالیات‌های محلی، مشابه مالیات‌های ملی از دو اصل «فایده و توانایی پرداخت مالیات»^۲ تبعیت می‌کنند؛ این دو اصل مسائل توزیع درآمد را در بر دارند که یک هدف اقتصادی و سیاسی بسیار مهم برای دولت است. اصل فایده ادعا می‌کند که منبع درآمد دولت برای ارائه کالاها و خدمات، باید مرتبط با فایده‌ای باشد که شهروندان از دولت به دست می‌آورند. از دیدگاه کسانی که اصل فایده را مدنظر دارند، بهترین روش تأمین مالی دولت، از طریق قیمتی است که بابت خدمات خود دریافت می‌کند. چنین روشی اجازه می‌دهد که هزینه

1. Simon Smith Kuznets

2. Benefit Principle & Ability-To-Pay Taxation

خدمات دولت، توسط استفاده‌کنندگان آن تأمین شود؛ زیرا همان‌طور که مردم بهای کالاها و خدمات بخش خصوصی را می‌پردازند، منصفانه است در ازای دریافت کالاها و خدمات دولتی هم مبلغی را پرداخت کنند.

در مقابل، «اصل توانایی پرداخت» بر این ایده استوار است که مالیات‌دهندگان باید با توجه به «توانایی پرداخت» خود در تأمین هزینه‌های دولت شرکت کنند. مالیات مبتنی بر اصل توانایی پرداخت، باید به صورتی اعمال شود که افراد با توانایی پرداخت یکسان در مقادیر برابر مالیات بپردازند و اگر مالیات‌دهندگان یا اشخاص، توانایی پرداخت مساوی ندارند، مالیات‌های غیر برابری پرداخت کنند.

استفاده گسترده از پایه‌ها و نرخ‌های مبتنی بر اصل توانایی پرداخت در مالیات‌های محلی مسئله خاصی را مطرح می‌کند که کمتر در سطح ملی ظاهر می‌شود. کسانی که بر اساس توانایی پرداخت یا درآمد و ثروت خود مالیات می‌پردازند، تمایل به جابه‌جایی و مهاجرت به استان‌ها و محله‌های دیگر را دارند که یا سهم مالیات بر اساس اصل توانایی پرداخت کمتر است یا بهره‌مندی از مالیات‌های پرداختی آن‌ها (اصل فایده) بیشتر است.

از طرفی هرکجا که تمرکز بیشتر در تعیین پایه‌های مالیاتی بر اصل فایده باشد، مقوله عدالت اجتماعی وزن کمتری دارد. اگر ساختار یک سیستم مالیات محلی صرفاً بر اساس اصل فایده قرار گرفته باشد، باید خانوارهای کم‌درآمد و فقیر از محله‌ها و شهرهای شامل ساکنین ثروتمند خارج شوند؛ چون نمی‌توانند در تأمین هزینه بالای کالاها و خدمات عمومی فراوان در این مناطق شرکت کنند. به عبارت دیگر آن‌ها قادر به پرداخت مالیات‌های محلی برای محله‌های ثروتمند نشین نخواهند بود. در نتیجه خانوارهای فقیر در یک شهر یا استان تمرکز نموده، از کالاها و خدمات عمومی دولت بی‌بهره خواهند ماند. بر این اساس بررسی ادبیات اقتصادی کاربردی مالیات‌های محله‌ای، چنین نشان می‌دهد که در یک نظام مالیاتی، سیستم و پایه‌های مالیات‌های محلی از هر دو اصل فایده و توانایی پرداخت تأثیر می‌گیرند (Kichen, 2004, p 26).

بنابراین برخی ادعا می‌کنند توزیع درآمد غیرمتمرکز محکوم به شکست بوده،

ممکن است تلاش دولت‌های محلی برای کاهش اختلافات درآمدی تبعیض‌آمیز باشد. به‌عنوان مثال، اگر یک حکومت محلی سیاست توزیع درآمد را به‌وسیله اعمال مالیات‌های بالاتر بر ثروتمندان و اعطای مزایای بیشتر به فقرا اعمال کند، باعث می‌شود ثروتمندان آن منطقه را ترک و به مناطقی مهاجرت کنند که مالیات کمتری دارند و در مقابل فقرا از سایر نواحی به آنجا عزیمت نمایند و این امر در مجموع وضعیت توزیع را بدتر می‌کند. از سوی دیگر، برخی سیاست‌ها و اقداماتی که در سطح محلی انجام می‌شود مانند مراقبت‌های بهداشتی، تحصیلات ابتدایی، تأمین آب، مسکن و حمل‌ونقل عمومی کارکردهای توزیعی دارند. در کشورهای فقیرتر چنین خدماتی اغلب تنها ابزار کمک‌های انتقالی به خانوارهای فقیر هستند (قبادی، ۱۳۹۱).

در این راستا، مالیات بر درآمد محلی (مالیات مستقیم) و مالیات بر فروش محلی (مالیات غیرمستقیم) نیز مشابه مالیات ملی می‌توانند توزیع درآمد را متأثر سازند. با توجه به مطالب بیان‌شده، انتظار می‌رود که اعمال مالیات بر درآمد محلی به‌عنوان مالیات مستقیم بتواند در جهت هدف توزیع مجدد درآمد به کار گرفته شود، چون با اصل توانایی پرداخت مطابقت دارد.

با وجود حضور مزایای کلی پایه مالیات بر درآمد اشخاص در هر دو نظام مالیات ملی و محلی، تفاوت‌هایی در برقراری مالیات بر درآمد اشخاص در سطح ملی و محلی وجود دارد. نرخ‌های بالای مالیات بر درآمد اشخاص می‌تواند موجب جابه‌جایی یا مهاجرت افراد ثروتمندتر به محله‌های با نرخ مالیات کمتر می‌شود و این ضرورت دقت در برقراری مالیات بر درآمد اشخاص در سطح محله‌ها را آشکار می‌سازد. در صورتی که برقراری مالیات بر درآمد اشخاص در سطح ملی به علت محدودیت جابه‌جایی بین کشورها، آثار بسیار محدودتری برای مهاجرت دارد (Baily, 1999).

در اعمال مالیات بر فروش محلی به‌عنوان مالیات غیرمستقیم (کالا و خدمات) می‌توان انتظار مواجهه با پدیده انتقال بار مالیاتی را داشت؛ به‌ویژه در شرایطی که مالیات فوق بر کالاها و خدمات ضروری وضع گردد که عمدتاً دارای کشش قیمتی تقاضای پایینی هستند. در این شرایط پرداخت‌کنندگان عمده مالیات قشر

کم درآمدند؛ چراکه سهم کالاهای ضروری در بودجه خانوارهای کم درآمد در مقایسه با خانوارهای با درآمد بالا بیشتر است. بر این اساس بار این مالیات بیشتر بر دوش افراد کم درآمد است و انتظار می رود که شرایط توزیعی نابرابرتر شود.

۲. پیشینه تحقیق

ساختار مالیاتی هر کشوری بر پایه ملاحظات سیاست گذاران نسبت به اهداف کلی دولت از یک سو و واقعیت زندگی اقتصادی و اجتماعی کشور از سوی دیگر استوار است. تجارب سایر کشورها در این میان می تواند مورد توجه قرار گیرد و مبنای تصمیم گیری سیاست ها و مدیریت های مالیاتی یک کشور واقع شود. با توجه به اینکه هم مبحث توزیع درآمد (به عنوان یکی از اهداف دولت در راستای عادلانه کردن درآمدها) و هم بحث مالیات محلی (یکی از مهم ترین پایه های مالیاتی) از موضوعات مورد توجه اقتصاددانان است، در ادامه به مطالعات انجام گرفته داخلی و خارجی درباره مالیات محلی و توزیع درآمد پرداخته می شود.

۲-۱. مطالعات داخلی

«پژویان، جمشید» (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی توجیه پذیری مالیات های استانی در ایران و ارائه پیشنهادهایی جهت اصلاح سیستم مالیاتی» به این نتیجه دست یافته که سیستم مالیات محلی به علت کارایی و مزیت های آن، مؤثرترین ابزار در جهت اجرای مهاجرت و جابه جایی جمعیت، افزایش تمایل در فعالیت های اقتصادی خاص در منطقه مشخص، کاهش هزینه های محیط زیستی در یک استان و انتقال صنایع بین استان های مختلف است. او مشکلات طراحی مالیات محلی در ایران را «ساختار موجود نظام مالیاتی، نبود برنامه آمایش سرزمین، نبود اطلاعات و آمار مرتبط برای طراحی سیستم مالیات محلی و عدم شفافیت سیاستی و استراتژی های اصلی دولت» دانسته است.

«زنگنه شهرکی و حسینی» (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان «مدیریت اقتصادی شهر با تأکید بر مالیات محلی و متغیرهای مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)» اظهار کرده است که تقریباً همه مدیران، سیاست گذاران، برنامه ریزان و

پژوهشگران حوزه اقتصاد شهری به نتیجه رسیده‌اند، در میان منابع مختلف درآمدی شهرداری‌ها (اعم از بهای خدمات و کالاها، مالیات محلی، وام و استقراض، کمک‌های دولتی، سرمایه‌گذاری)، درآمدهایی بهترین و پایدارترین منبع مالی است که از بخش مالیات محلی به دست می‌آید. برای افزایش سهم این منبع درآمدی، ابتدا باید متغیرهای اصلی که بر آن تأثیر دارند، بررسی و شناسایی شود. مهم‌ترین متغیرهایی که در این پژوهش بر آن‌ها تأکید شده است، عبارت‌اند از: سیستم حکومتی و سیستم مدیریت شهری؛ نقش شهروندان و آگاه‌سازی و فرهنگ‌سازی در زمینه پرداخت مالیات؛ ساخت‌وسازهای شهری؛ متغیرهای کلان اقتصادی مانند نرخ تورم، نرخ ارز؛ وضعیت بازار مسکن؛ سیاست‌های پولی و مالی کشور که بر نرخ و پایه مالیات عوارض شهرداری می‌تواند تأثیرگذار باشد و عامل رابطه دولت و شهرداری به‌ویژه در زمینه مالیات‌های مشترک و روابط مالی دیگری که بین آن‌ها وجود دارد. این مؤلفه‌ها در مالیات محلی و بالطبع کسب درآمدهای پایدار برای شهرداری‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند؛ بنابراین با بررسی بنیادی و کاربردی در زمینه متغیرهای مؤثر بر مالیات‌های محلی می‌توان برنامه‌ریزی مناسبی در زمینه افزایش سهم مالیات‌های محلی، در منابع درآمدی شهرداری‌ها، انجام داد.

«سپهر دوست و زمانی شبخانه» (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بهبود پارتویی توزیع درآمد و سیاست‌گذاری مالیاتی در ایران» تلاش کرده‌اند از یک‌طرف اثر کلی درآمدهای مالیاتی را بر توزیع درآمد و از طرف دیگر اثر انواع درآمدهای مالیاتی را بر توزیع درآمد در کشور در کنار اثر سایر متغیرهای مؤثر بررسی کنند. در این مطالعه همچنین فرضیه کوزنتس مبنی بر مشاهده منحنی رشد U وارونه برای رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در دو مدل جداگانه ارزیابی و نتایج نشان داده شده است که در هر دو مدل تخمین این مطالعه با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیون حداقل مربعات معمولی (OLS) و طی سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۹۱، متغیرهای تورم، بیکاری و تولید ناخالص داخلی باعث افزایش ضریب جینی و نابرابرتر شدن وضعیت توزیع درآمد می‌شود. در این تحقیق برای بررسی دقیق‌تر اثر مالیات بر توزیع درآمد نیز تأثیر انواع مالیات به تفکیک مالیات بر درآمد

و مالیات بر مصرف اندازه‌گیری و مشخص شده است که متغیر مالیات بر درآمد، مالیات بر درآمد با یک وقفه، مالیات بر مصرف و مالیات بر مصرف با یک وقفه اثر معناداری بر ضریب جینی داشته و طی سال‌های مورد مطالعه باعث بهبود وضعیت توزیع درآمد شده است. ضمن اینکه با توجه به اثر مثبت و معنادار تولید ناخالص داخلی و اثر منفی و معنادار مربع تولید ناخالص داخلی بر روی ضریب جینی در هر دو مدل، فرضیه منحنی رشد U وارونه کوزنتس برای رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد پذیرفته می‌شود. به‌طورکلی، بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش انتظار می‌رود که با تکیه بر مطالعات گسترده در زمینه تفکیک انواع مالیات و تأثیر متفاوت آن‌ها بر بهبود وضعیت توزیع درآمد جامعه این امکان به وجود آید که با اصلاح نظام مالیاتی و وسعت بخشیدن به پایه‌های مالیاتی بتوان با هدف بهبود توزیع درآمد کشور، شاهد ارتقای سطح کارآمدی در این بخش از سیاست مالی بود و با تأکید بیشتر بر روی مالیات بر مجموع درآمد به‌عنوان پایه اصلی نظام مالیاتی در کنار پایه مالیاتی مصرف، اجرای سیاست‌های توزیع درآمد، کاهش فقر و مبارزه با قاچاق و فساد را امکان‌پذیر ساخت.

«خادم، عزیزاده» (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «نظام مالیاتی انعطاف‌پذیر یکی از الزامات عقلی و شرعی در اقتصاد مقاومتی» آورده است: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری ذاتی و درونی مالیاتی و انعطاف‌پذیری تشریحی و بیرونی با رویکردی اسلامی از طریق تعریف پایه‌های جدید مالیاتی مانند مالیات بر ثروت‌های غیرمولد، انعطاف‌پذیری مکانی مانند تغییر در مالیات‌های ملی به استانی و محلی، تغییر در نرخ‌های موجود در شرایط عادی اقتصادی می‌تواند در چارچوب اقتصاد مقاومتی ضمن تأمین منابع مالی دولت برای انجام حکمرانی خوب و اعمال سیاست‌های مالی، آستانه تحمل و تاب‌آوری دولت و مردم را افزایش دهد.

«نظری و مظاهری» (۱۳۹۰)، بهره‌گیری از داده‌های سری زمانی برای دوره «۱۳۸۷-۱۳۵۳» رابطه تورم با توزیع درآمد را بررسی کرده‌اند. با توجه نتایج به‌دست‌آمده فرضیه II شکل بودن رابطه تورم و توزیع درآمد تأیید نمی‌شود. همچنین بر پایه این مطالعه رشد تولید ناخالص داخلی، نابرابری در توزیع درآمد

را کاهش و تورم، بیکاری و یارانه‌های دولتی نابرابری را افزایش می‌دهند. «باسخا و شقاقی شهری» (۱۳۸۷) نیز در مقاله‌ای با عنوان «رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری» به این نتیجه رسیده‌اند که افزایش رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای در حال توسعه باعث کاهش فقر و نابرابری درآمدی شده است.

۲-۲. مطالعات خارجی

«لوک‌وود و شان»^۱ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «اثر سیاست‌های مالیاتی مبتنی بر محل در توزیع درآمد خانوار: شواهدی از برنامه توانمندسازی منطقه فدرال» به مطالعه تغییراتی در توزیع درآمد کل خانوار با برنامه توانمندسازی منطقه‌ای پرداخته‌اند. تمرکز این مقاله اضافه کردن به بحث در مورد اهمیت تجزیه و تحلیل اثرات توزیعی همراه با تغییراتی برای بررسی این مسئله است که «آیا مشوق‌های مالیاتی مبتنی بر محل، اثرات یکنواختی در کل توزیع درآمد دارد؟» بر اساس نتایج این مقاله سیاست‌های مالیاتی مبتنی بر محل اثر متفاوتی در کل بخش‌های مختلف توزیع درآمد دارد. همچنین شواهدی یافت نشده است که نشان دهد ساکنان فقیر از این برنامه بهره‌ای کسب کرده‌اند. یافته‌ها با مناطقی سازگار است که شامل بیشتر افراد پردرآمد شده است. مقایسه مناطق مشابه که برنامه «EZ» را به کار برده‌اند نشان داده که افزایش در تعداد خانوارهایی با کمتر از نصف نرخ فقر، همانند افزایش خانوارها با بیش از دو برابر نرخ فقر است.

«کوپر و همکاران»^۲ (۲۰۱۵) موضوع «نقش مالیات‌ها در کاهش نابرابری درآمد در سراسر ایالات متحده آمریکا» را بررسی نموده‌اند. این مقاله، با توجه به افزایش چشمگیر نابرابری درآمد ایالات متحده از سال ۱۹۸۰، ابتدا به تجزیه و تحلیل مالیات‌های ایالتی و سپس به بررسی مالیات‌های فدرال پرداخته و از دو رویکرد تجربی استفاده کرده است. در رویکرد نخست، نابرابری قبل از مالیات و پس از مالیات در سراسر ۵۰ ایالت و ناحیه کلمبیا به صورت مقطعی برآورد شده و در رویکرد دوم، برآوردهای نابرابری در طول زمان برای دسترسی به ارزیابی اثرات

1. Lockwood, R, Shawn M. R

2. Cooper et al

سیاست‌های مالیاتی محاسبه گشته است. نتایج حاصل از روش نخست نشان می‌دهد که اعمال مالیات نابرابری در تمام ایالت‌ها درآمد را به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهد. معافیت مالیات بر فروش غذا و لباس نسبتاً نابرابری درآمد را کاهش و مالیات بر بنزین، نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد. نتایج حاصل از رویکرد تجربی دوم نشان می‌دهد که تأثیر مالیات‌ها بر کاهش نابرابری درآمد بین سال‌های ۱۹۸۴ و ۲۰۱۱ افزایش یافته است، دوسوم از این افزایش به دلیل قانون مالیات فدرال و یک‌سوم باقی‌مانده با توجه به مالیات‌های ایالتی است.

«چن»^۱ (۲۰۱۰)، در مقاله‌ای با عنوان «کاهش نابرابری منطقه‌ای چین: آیا به بهای کاهش رشد است؟» نتیجه‌گیری کرد که کاهش در نابرابری درآمدی، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را در کوتاه‌مدت کاهش داده، اما بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در بلندمدت اثری نداشته است. همچنین افزایش رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت و بلندمدت، نابرابری درآمدی را کاهش خواهد داد.

«داویس و همکاران»^۲ (۲۰۰۷) در مقاله «مالیات‌بندی محلی و رابطه بین درآمد و ارزش دارایی» به بررسی موضوع مالیات محلی و رابطه بین درآمد و ارزش‌های اموال پرداختند. نتایج این مقاله نشان داد که اگرچه یک رابطه قوی و مثبت بین ارزش‌های دارایی و درآمد در میان خانواده‌های با درآمد بالاتر هست، شواهدی از یک رابطه U شکل در میان خانواده‌های کم‌درآمد هم وجود دارد. علاوه بر این، بر طبق شواهد بسیار قوی موجود، کشش قیمت دارایی با توجه به درآمد ثابت نیست؛ اما یک توزیع زنگی شکل را دنبال می‌کند که اریبی به سمت راست دارد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش مطالعه در این پژوهش از نوع تحلیلی بوده و برای تجزیه و تحلیل‌های آماری و اقتصادسنجی از نرم‌افزار «Eviews10» استفاده شده است. با بهره‌گیری از داده‌های ۱۲ کشور منتخب OECD (اتریش، دانمارک، فنلاند، لوگزامبورک، هلند، نروژ، لهستان،

1. Chen,(2010)

2. Rhys Davies et al.

پرتغال، اسپانیا، سوئد، ترکیه، انگلیس) در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ اثر متغیرهای مالیات بر درآمد (اشخاص) محلی، مالیات بر فروش محلی، همچنین متغیرهای کلان اقتصادی مانند نرخ تورم و رشد تولید ناخالص داخلی بر ضریب جینی (شاخص نابرابری توزیع درآمد) بررسی گردیده است. برای استخراج داده‌های ضریب جینی با استفاده از بانک اطلاعات آماری «شاخص‌های توسعه جهانی» (WDI)، داده‌های مالیات بر درآمد محلی، مالیات بر فروش محلی، از پایگاه آماری کشورهای عضو همکاری توسعه و اقتصادی (OECD) و همچنین داده‌های نرخ تورم و رشد تولید ناخالص داخلی از «بانک جهانی» (WB) استخراج شده است.

مدل مورد بررسی به روش اقتصادسنجی «گشتاورهای تعمیم‌یافته»^۱ (GMM) برآورد شده است. از جمله الگوهای پویا هستند. یکی از ویژگی‌های خوب داده‌های ترکیبی این است که با وارد کردن عامل زمان می‌توان پویایی بین متغیرها را بررسی کرد. در همین ارتباط الگوهای پویا را می‌توانیم در Panel داشته باشیم که به کمک آن‌ها ماهیت پویای یک فرایند را بررسی کنیم. فرم کلی یک الگوی پویا در داده‌های ترکیبی به صورت زیر است:

$$Y_{it} = \alpha Y_{it-1} + \beta X_{it} + \mu_t + v_{it} \quad (1)$$

که X_{it} بردار متغیر مستقل، Y_{it} بردار متغیر وابسته، μ_t عامل خطای مربوط به مقاطع و v_{it} عامل خطای مقطع i ام در زمان t است.

گشتاورهای تعمیم‌یافته یکی از روش‌های برآورد پارامترهای مدل در رهیافت داده‌های تابلویی پویا بوده که برای داده‌های سری زمانی، مقطعی و داده‌های تابلویی قابل استفاده است. این روش اثرات تعدیل پویای متغیر وابسته را در نظر می‌گیرد. هنگامی که در مدل داده‌های تلفیقی، متغیر وابسته به صورت وقفه در طرف راست ظاهر می‌شود، دیگر برآوردهای OLS سازگار نیست (Baltagi, 1995) و باید به روش‌های برآورد دو مرحله‌ای «2SLS»^۲ یا گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)

1. Generalized Method of Moments

2. Two Stage Least Squares

(Arellano & Bond, 1991) متوسل شد. به گفته «ماتیاس و سوستر»^۱ (۱۹۹۵) برآورد 2SLS ممکن است به دلیل مشکل در انتخاب ابزارها، واریانس‌های بزرگ برای ضرایب به دست دهد و برآوردها از لحاظ آماری معنادار نباشد؛ بنابراین روش GMM توسط «آرلانو» و «باند» برای حل این مشکل پیشنهاد شده است. این تخمین‌زن از طریق کاهش تورش نمونه، پایداری تخمین را افزایش می‌دهد (Arellano & Bond, 1991).

$$(X_{i,t}-X_{i,t-1})+(\varepsilon_{i,t}-\varepsilon_{i,t-1})(y_{i,t-1}-y_{i,t-2})+\beta(y_{i,t}-y_{i,t-1})=\alpha \quad (2)$$

یعنی ابتدا تفاضل‌گیری انجام می‌شود تا بتوان اثرات مقاطع یا μ_i را به ترتیبی از الگو حذف کرد و در مرحله دوم از پسماندهای باقیمانده در مرحله نخست برای متوازن کردن ماتریس واریانس - کوواریانس استفاده می‌گردد. به عبارت دیگر این روش، متغیرهایی با عنوان «متغیر ابزاری» ایجاد می‌کند تا برآوردهای سازگار و بدون تورش داشته باشیم (Baltagi, 2005).

سازگاری تخمین‌زننده GMM به معتر بودن فرض نبود همبستگی سریالی جملات خطا و ابزارها بستگی دارد که می‌تواند به وسیله دو آزمون تصریح شده «آرلانو و باند»، «آرلانو و بوور و بلوندل و باند» آزمون شود. اولی «آزمون سارگان»^۲ است که معتبر بودن ابزارها را آزمون می‌کند. دومی «آزمون خودهمبستگی آرلانو و باند» است که برای بررسی همبستگی بین جملات اخلاص استفاده می‌شود و اینکه آیا روش گشتاور تعمیم‌یافته (GMM) به درستی انتخاب شده است یا نه؟ این آزمون (۱) AR و (۲) AR است که وجود همبستگی سریالی پسماندها را در مرتبه اول و دوم آزمون می‌کند. عدم رد «فرضیه صفر» در آزمون دوم شواهدی را دال بر فرض نبود همبستگی سریالی و معتبر بودن ابزارها فراهم می‌کند.

مدل مورد استفاده در این پژوهش به صورت زیر تصریح شده است:

$$\text{Gini}_{it}=C+\beta_1\log(\text{gini}_{i,t-1})+\beta_2\log(\text{Income}_{it})+\beta_4\log(\text{sales}_{it})+\beta_5\text{Inflation}_{it}+\beta_6\text{GDPG}_{it}+u_i \quad (3)$$

1. Matyas & Sevestr

2. Sargan Test

Gini = ضریب جینی (متغیر وابسته)

Income = مالیات بر درآمد محلی

Sales = مالیات بر فروش محلی

(-1) gini = ضریب جینی با وقفه یک (متغیر مستقل)

GDPG = رشد تولید ناخالص داخلی

Inflation = نرخ تورم

i نشان‌دهنده کشور و t معرف سال است.

۴. یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا مانایی متغیرها بررسی و سپس داده‌های تابلویی تخمین می‌شود و در پایان آزمون سارگان برای بررسی اعتبار متغیرهای ابزاری مدل صورت می‌گیرد و یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود.

۴-۱. بررسی مانایی مدل

برای دستیابی به یک تخمین غیر کاذب بین متغیرهای الگو، بایستی متغیرهای حاضر در رگرسیون ایستا بوده یا ترکیب آن‌ها ایستا باشد، در صورتی که داده‌های مورد استفاده در یک پژوهش غیر ایستا باشند، نتایج حاصل از تخمین‌ها کاذب خواهد بود. در مورد آزمون مانایی داده‌های تابلویی از آزمون «لین»، «لین» و «چو» در چارچوب الگو با عرض از مبدأ و روند استفاده شده است:

جدول ۱. نتایج آزمون مانایی با استفاده از آماره لوین، لین چو

متغیرهای مدل	سطح	
	مقدار آماره آزمون	سطح احتمال
مالیات بر درآمد محلی	-۳/۲۹۹۷۱	۰,۰۰۰۵
مالیات بر فروش محلی	-۲/۷۸۶۳۲	۰,۰۰۲۷
ضریب جینی	-۴/۱۶۱۸۹	۰,۰۰۰۰
رشد تولید ناخالص داخلی	-۵/۸۱۸۶۱	۰,۰۰۰۰
نرخ تورم	-۶/۹۰۵۹۶	۰,۰۰۰۰

منبع: محاسبات تحقیق

گفتنی است فرضیه صفر در این آزمون، نامانایی متغیر مورد بررسی است. نتایج مطالعه نشان می‌دهند که فرضیه صفر نامانا بودن همه متغیرها در سطح معنی‌داری (۵ درصد)

پذیرفته نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، نتایج این آزمون دلالت بر مانا بودن همه متغیرها دارد. به عبارتی تمام متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش در سطح اطمینان بالای ۹۵ درصد در سطح، ایستا شده‌اند که در جدول ۱ نشان داده شده است.

۴-۲. برآورد الگو

در این قسمت، به تخمین مدل مطالعه بر اساس تکنیک داده‌های تابلویی پویا پرداخته می‌شود که نتایج آن در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲. نتایج تخمین مدل

احتمال	آماره آزمون	ضرایب	متغیرهای مستقل
0.0000	-26.35043	-0.058766	لگاریتم مالیات بر درآمد محلی
0.0000	33.35930	+0.013651	لگاریتم مالیات بر فروش محلی
0.0000	56.31571	0.508818	لگاریتم ضریب جینی با وقفه ۱
0.0000	-7.969761	-0.001894	رشد تولید ناخالص داخلی
0.0000	37.43385	0.008004	نرخ تورم
Prob(J-statistic) = 0.375870			

منبع: محاسبات تحقیق

۴-۲-۱. نتایج تخمین مدل

در این قسمت نتایج حاصل از مدل برآورد شده که در آن با استفاده از مدل گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) طی سال‌های (۲۰۱۴-۲۰۰۴) رابطه مالیات محلی و توزیع درآمد در ۱۲ کشور منتخب OECD بررسی شده است، به‌طور خلاصه تجزیه و تحلیل می‌شود:

بررسی ضرایب به لحاظ آماری نشان می‌دهد که تمامی ضرایب مدل معنی‌دار هستند و این متغیرها بر توزیع درآمد در این سال‌ها تأثیرگذار بوده‌اند. قدرت توضیح‌دهندگی (R^2) این مدل برابر ۰/۸۵ است؛ بدین معنی که ۸۵ درصد تغییرات ضریب جینی توسط متغیرهای توضیحی این مدل بیان می‌شود. آماره «دوربین-واتسن»^۱ در این مدل برابر با ۲/۸۲ است که نشان‌دهنده نبود خودهمبستگی در مدل است.

به‌منظور بررسی سازگاری تخمین‌زننده GMM می‌توان از آزمون سارگان

1. Durbin-Watson

استفاده کرد که از محدودیت‌های از پیش تعیین شده است و معتبر بودن ابزارها را آزمون می‌کند. آماره آزمون سارگان (J-Statistic) که مبتنی بر آزمون J است با ارزش احتمال 0.37 و همچنین $\text{prob}(J\text{-Statistic}) > 0.05$ اعتبار متغیرهای ابزاری در معادله برآورد شده را تأیید می‌کند.

مقادیر احتمال آزمون‌های آرلانو- باند برای (1) AR و (2) AR دلالت بر وجود همبستگی سریالی مرتبه اول و نبود همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات اخلاص دارند و صحت اعتبار نتایج بر اساس روش GMM را تأیید می‌کنند.

جدول ۳. نتایج آزمون خودهمبستگی آرلانو- باند

شرح	مقدار آماره	ارزش احتمال
مرتبه اول	-۱/۸۳	۰/۰۰۲۱
مرتبه دوم	-۰/۵۳۱۱	۰/۵۹۵۳

منبع: محاسبات محقق.

۲-۲-۴. تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از برآورد

اثر مالیات بر درآمد محلی بر ضریب جینی منفی و معنادار است و به عبارتی این متغیر با ضریب جینی رابطه معکوس دارد؛ هرچه این متغیر افزایش یابد، ضریب جینی کاهش می‌یابد. در واقع با یک واحد افزایش در مالیات بر درآمد محلی، نابرابری درآمد به میزان 0.058766 واحد کاهش می‌یابد. این پایه مالیات محلی عمده‌ترین پایه مالیات جهت دستیابی به توزیع مناسب درآمد شناخته شده و همان‌طور که انتظار می‌رفت به بهبود توزیع درآمد منجر گشته است.

اثر مالیات بر فروش محلی بر ضریب جینی مثبت و معنادار است، به عبارت دیگر، بررسی رابطه مالیات بر فروش محلی بر ضریب جینی نشان می‌دهد که این متغیر با ضریب جینی رابطه مستقیم دارد و با افزایش این متغیر، ضریب جینی هم افزایش می‌یابد و نابرابری درآمد بیشتر می‌شود. به عبارتی با یک واحد افزایش در مالیات بر فروش محلی، بر نابرابری درآمد، به میزان 0.13651 واحد افزوده می‌گردد.

اثر نرخ تورم بر ضریب جینی مثبت و معنادار است و به عبارتی این متغیر با ضریب جینی رابطه مستقیم دارد؛ هر چه نرخ تورم افزایش یابد، ضریب جینی

افزایش یافته، نابرابری درآمد بیشتر می‌شود. با یک واحد افزایش در نرخ تورم، نابرابری درآمد، به میزان $0/008004$ واحد افزایش می‌یابد. بررسی رابطه رشد تولید ناخالص داخلی به‌عنوان معیار نشان‌دهنده رشد اقتصادی کشورها بر ضریب جینی، نشان می‌دهد که این متغیر با ضریب جینی رابطه معکوس دارد؛ به عبارتی هرچه این متغیر افزایش یابد، از ضریب جینی کاسته و نابرابری درآمد کمتر می‌شود. با یک واحد افزایش در رشد تولید ناخالص داخلی، نابرابری درآمد به میزان $0,001894$ واحد کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

اصلاحات مالیاتی جهت بهبود نظام مالیاتی، موضوع مورد تحقیق و پژوهش بسیاری از متخصصین اقتصادی است که می‌تواند در کنار ایجاد درآمدهای بالاتر مالیاتی، ساختار مالیاتی و به تبع آن ساختار اقتصاد را اصلاح کند. این در حالی است که مالیات‌های محلی به‌عنوان پایه مالیاتی موجه و پایدار به علت کارایی و مزیت‌های آن بیشتر معرفی شده است؛ زیرا همچون مالیات‌های ملی می‌تواند بر نحوه توزیع درآمد اثرگذار باشد. این مقاله با به‌کارگیری روش داده‌های تابلویی پویا (GMM) به بررسی اثر مالیات‌های محلی (مالیات بر درآمد محلی و مالیات بر فروش محلی) بر توزیع درآمد با استفاده از داده‌های ۱۲ کشور منتخب OECD بین سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۴ پرداخت. البته در کنار این دسته از مالیات‌های محلی، اثر عواملی همچون نرخ تورم و رشد تولید ناخالص داخلی نیز بر توزیع درآمد بررسی شد. بر اساس نتایج برآورد مدل پژوهش، مطالعات نشان می‌دهد که چگونگی اثرگذاری سیستم مالیات محلی بر توزیع درآمد به نوع سیستم مالیاتی به لحاظ مستقیم (مالیات بر درآمد [اشخاص] محلی) و غیرمستقیم بودن آن (مالیات بر فروش محلی) بستگی دارد. به عبارت دیگر، مالیات بر درآمد محلی و نرخ رشد تولید داخلی دارای تأثیر معنادار و منفی بر روی ضریب جینی هستند که بهبود توزیع درآمد را نشان می‌دهد، حال‌آنکه مالیات بر فروش محلی و تورم تأثیر معنادار و مثبت بر روی ضریب جینی دارند که به مفهوم بدتر شدن توزیع درآمد است. با توجه به یافته‌های تحقیق، توصیه‌های سیاستی زیر ارائه می‌شود:

- در شرایط اقتصاد مقاومتی و تهدیدهای داخلی و خارجی، توجه به سیستم نظام مالیاتی و به خصوص معرفی و به کارگیری مالیات بر درآمد (اشخاص) محلی با هدف تقویت بخش واقعی اقتصاد و توجه به رشد اقتصادی می‌تواند سبب کاهش نابرابری درآمد شود. البته نبود پایه مالیات بر مجموع درآمد در نظام مالیاتی ایران اجرای یک سیاست کارآمد مالیاتی بر درآمد محلی را ناممکن می‌سازد. پایه مالیات بر مجموع درآمد امکان طبقه‌بندی مالیات‌دهندگان را بر اساس درآمد و توانایی پرداخت ممکن می‌سازد؛ یعنی نرخ‌های مجزای مالیات استانی می‌توانست استان‌های ثروتمند را نسبت به استان‌های دیگر و بالاخره استان‌های فقیر مشمول مالیات‌های با نرخ متفاوت استانی نسبت به نرخ یکسان محلی نماید. به‌رحال تا زمانی که سیستم مالیات بر مجموع درآمد به نظام مالیاتی ایران معرفی نشود، استفاده از این پایه مالیاتی محلی عملی نخواهد بود.

- به‌طورکلی مالیات‌های بر فروش محلی مبتنی بر اصل فایده هستند و به دلیل امکان کسب درآمد مناسب برای دولت‌های محلی، مالیات مناسبی در سطح محله به نظر می‌رسد؛ ولی به علت نبود مرز و محدودیت، جابه‌جایی کالاها بین محله‌ها و استان‌های یک کشور اجرای این مالیات با نرخ‌های متفاوت نسبت به استان‌های دیگر خود به شکاف طبقاتی منجر می‌شود و با تأثیر بر ضریب جینی، باعث نامناسب شدن شرایط توزیع در جامعه می‌گردد و به‌راحتی موجب فرار مالیاتی یا ایجاد بازارهای غیررسمی خواهد شد. در نتیجه در طراحی این پایه مالیاتی به نرخ‌های آن در محله‌ها باید توجه داشت.

- تورم همواره یکی از موضوعات بسیار مهم کشور بوده و میزان رشد آن در سال‌های اخیر بسیار زیاد شده است، به‌نحوی که نرخ آن سالانه افزایش یافته، قدرت خرید مردم کمتر می‌شود و از جمله عواملی است که می‌تواند تأثیر نامطلوبی بر تحقق عدالت اجتماعی داشته باشد؛ در نتیجه کاهش نرخ تورم از جمله سیاست‌هایی است که باید برای استقرار عدالت اجتماعی در اولویت قرار گیرد.

یادداشت‌ها

۱. گسترش پایه‌های مالیاتی (مالیات بر عایدی سرمایه، مالیات بر خانه‌های مسکونی خالی، مالیات زیست‌محیطی) و کاهش نرخ‌های مالیاتی با هدف پرهیز از اعمال فشارهای مالیاتی، اثرات مثبتی همچون ایجاد رونق در بخش تولید دارد و این مهم می‌تواند در افزایش درآمدهای مالیاتی مؤثر باشد.
۲. مالیات محیط زیست یکی از ابزارهای کنترل پیامدهای خارجی منفی مانند آلودگی است که می‌تواند از طریق قیمت‌گذاری هزینه‌های زیست‌محیطی بر شکست‌های بازاری غلبه کند، باعث افزایش کارایی و تخصیص بهینه منابع شود، محصولات سبز را رقابت‌پذیر کند، انگیزه توسعه نوآوری‌های جدید را ایجاد نماید و در مجموع رفاه اجتماعی را ارتقا دهد. از سوی دیگر، درآمدهای این مالیات‌ها می‌تواند به‌عنوان یکی از منابع مالی مستمر دولت در راستای ارتقای رشد سبز و توسعه اقتصادی پایدار مورد استفاده قرار گیرد.
۳. به دلیل نبود دسترسی کافی به اطلاعات میزان مالیات بر درآمد محلی در کشورها، با در اختیار داشتن اطلاعات سهم مالیات بر درآمد محلی از کل مالیات سال ۲۰۰۱ و درآمد مالیاتی کشورها از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ و با فرض اینکه این سهم تا سال ۲۰۰۹ ثابت است از حاصل ضرب سهم مالیات بر درآمد محلی سال ۲۰۰۱ در درآمد مالیاتی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ میزان مالیات بر درآمد محلی طی این دوره به دست آمده است همچنین با در اختیار داشتن اطلاعات سهم مالیات بر درآمد محلی از کل مالیات سال ۲۰۱۰ و درآمد مالیاتی کشورها از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ و با این فرض که این سهم تا سال ۲۰۱۴ ثابت است، از حاصل ضرب سهم مالیات بر درآمد محلی سال ۲۰۱۰ در درآمد مالیاتی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ میزان مالیات بر درآمد محلی طی این دوره نیز به دست آمده است.
۴. به دلیل عدم دسترسی کافی به اطلاعات میزان مالیات بر فروش (کالا و خدمات) محلی در کشورها، با در اختیار داشتن اطلاعات سهم مالیات بر فروش (کالا و خدمات) محلی از کل مالیات سال ۲۰۰۱ و درآمد مالیاتی کشورها از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ و با فرض آنکه این سهم تا سال ۲۰۰۹ ثابت است، از حاصل ضرب سهم مالیات بر فروش (کالا و خدمات) محلی سال ۲۰۰۱ در درآمد مالیاتی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ میزان مالیات بر فروش (کالا و خدمات) محلی طی این دوره به دست آمده است. همچنین با در اختیار داشتن اطلاعات سهم مالیات بر فروش (کالا و خدمات) محلی از کل مالیات سال ۲۰۱۰ و درآمد مالیاتی کشورها از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ و با فرض آنکه این سهم تا سال ۲۰۱۴ ثابت است از حاصل ضرب سهم مالیات بر فروش (کالا و خدمات) محلی سال ۲۰۱۰ در درآمد مالیاتی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ میزان مالیات بر فروش (کالا و خدمات) محلی طی این دوره نیز به دست آمده است.

منابع

- اشرفی، یکتا، گلی، زینت (۱۳۸۷)، بررسی وضعیت توزیع درآمد با استفاده از محاسبه ضریب جینی، مجله اقتصادی (۸۷، ۸۸)، صص ۳۷-۵۲.
- باسخا، مهدی. شقاقی شهری، وحید (۱۳۸۷). رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری درآمدی در کشورهای در حال توسعه. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۹ (۳۳)، صص ۲۷-۴۴.
- پژویان، جمشید (۱۳۸۵). در بررسی توجیه‌پذیری مالیات‌های استانی در ایران و ارائه پیشنهادهایی جهت اصلاح سیستم مالیاتی. طرح پژوهشی. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور.
- توتونچی ملکی، سعید. حقیقت، جعفر (۱۳۹۳)، معرفی پایه مالیاتی جدید: چگونه در ایران مالیات بر عایدی سرمایه را پایه‌گذاری کنیم؟ پژوهشنامه مالیات، ۲۲ (۲۱)، صص ۳۹-۶۸.
- جعفری صمیمی، احمد (۱۳۸۶). اقتصاد بخش عمومی. جلد اول. چ ۸. تهران: انتشارات سمت.
- حسین زاده، هدایت (۱۳۹۶). تأثیر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا: رهیافت اقتصادسنجی فضایی، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۵ (۸۲)، صص ۲۶۰-۲۳۳.
- خادم‌علیزاده، امیر (۱۳۹۴)، نظام مالیاتی انعطاف‌پذیر یکی از الزامات عقلی و شرعی در اقتصاد مقاومتی. مجموعه مقالات هشتمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، مؤسسه توسعه و تحقیقات اقتصادی. دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران و سازمان امور مالیاتی کشور.
- زنگنه شهرکی، سعید. حسینی، سید علی (۱۳۹۲)، مدیریت اقتصادی شهر با تأکید بر مالیات محلی و متغیرهای مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران). فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، (۲) صص ۸۷-۱۰۶.
- سپهر دوست، حمید. زمانی شبخانه، صابر (۱۳۹۴). بهبود پارتویی توزیع درآمد و سیاست‌گذاری مالیاتی در ایران. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۳ (۱۰)، صص ۱۰۷-۱۲۷.

موسوی، سید یحیی و همکاران (۱۳۹۴). الزامات و پیش‌نیازهای پیاده‌سازی نظام مالیات‌های محلی. معاونت پژوهش، برنامه‌ریزی و امور بین‌الملل، گروه مطالعات و تحقیقات مالیاتی، گزارش سازمان امور مالیاتی کشور، صص ۷-۵
 عبدالله میلانی و همکاران (۱۳۹۶). ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد و اثر آن بر نابرابری درآمد در استان‌های کشور. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ۱۷ (۶۶)، صص ۲۲-۱.

قبادی، نسرين (۱۳۹۱). چالش‌های تأمین مالی دولت‌های محلی و راهکارهای مقابله با آن مطالعه موردی دولت‌های محلی در ایران. مجله اقتصادی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، (۱۱ و ۱۲)، صص ۸۲-۵۳.
 کمیجانی، اکبر. محمد زاده، فریدون (۱۳۹۳). تأثیر تورم بر توزیع درآمد و عملکرد سیاست‌های جبرانی. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۲ (۶۹)، صص ۲۴-۵.

Aghion, Ph.; Caroli, E. an. Garcia-Penalosa, C. (1999). "Inequality and economic growth: the perspective of the new growth theories", CEPREMAP Working Papers (Couverture Orange) 9908, CEPREMAP.

Arellano, M. and Bond, S. (1991); "Some Test of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and Application to Employment Equations", Review of Economic Studies, 58: 277-297

Baltagi, B. H. (1995). Econometric analysis of panel data. Wiley, New York

Cooper, Daniel H and et al(2015), The Role of Taxes in Mitigating Income Inequality Across the U.S. States, Public Policy Discussion Paper No. 11-7

Kkitchen.H.M. (2004). local taxation in selected countries. A comparative examination. department of economics: New finance options formunicipal governments. .working paper. CanadaianTax Journal, 51(6), 2215-2247

Lockwood, R, Shawn M. R, (2015), " The Effects of Location-based Tax Policies on the Distribution of Household Income: Evidence from the Federal Empowerment Zone Program" United StatesJournal of Urban Economics 88 , 1-15

Davies,R., and et al.(2007), Local Taxation and the Relationship between Incomes and Property Values, Environ Plann C Gov Policy October 2007 vol. 25 no. 5 756-772

Chen, Anping (2010), Reducing China's regional disparities: is there a growth cost?; China Economic Review, No. 21.